

شاهکارهای

ادبی* (۵)

سید حسن فاطمی

۲۹۵. در بخشی از اشعار امام خمینی صناعت توشیح به کار رفته است. مثلاً تعداد زیادی از رباعی های حضرت امام به این صورت است که اگر حرف اول مصرع ها کنار هم قرار گیرند کلمه «فاطمی» به دست می آید. البته در مواردی به صورت ضربدری کنار هم باید قرار گیرند. در این جا یک نمونه از «فاطمی» و نمونه ای از «احمد» را می آوریم:

فرهادم و سوز عشق شیرین دارم
امید لقا یار دیرین دارم
طاقت ز کفم رفت و ندانم چکنم
یادش همه شب در دل غمگین دارم

افتاده به دام شمع، پروانه دل
حاشا که رها کند غمش خانه دل
مطرود شود ز جرگه درویشان
دیوانه و شی که نیست دیوانه دل^۱

۲۹۶. در بیت های زیر صناعت تصحیف^۲ به کار رفته است.

آغاز:

دلها دلها فَنصَنَّتْ قضیب
واعْتَدت واعْتَدت بعتب تعیب
غدرها غدرها تصدت فصدت
لیتها لیتها بدنن تذبیب.^۳

۲۹۷. در ابیات زیر نیز صناعت تصحیف به کار رفته است.

آغاز:

ان ان ان نلتسقی درینا
من من من اهلنا علینا
وعاد غاد دعا ودارا
زاد و داداً وما اشتفینا^۴

۲۹۸. در عبارات نثر زیر نیز، صناعت تصحیف به کار رفته

است:

یا بنی نابنی مصیبة مضنیة أمر صبی أمر ضنی محذور علیه
من علته بفرغ یفرغ قلبی قلبی والی والی والی احمد احمد.^۵
۲۹۹. صفی الدین حلّی تنها اسم های مصغر را در ابیات زیر
به کار برده است. آغاز:

نُقیط من مُسیک فی ورید
خویلیک ام و شیم فی خدید
وذیّاک اللویمع فی الضحیا
و حیھک ام قمیر فی سعید^۶

۳۰۰. هنگام خواندن دو بیت زیر، زبان حرکت نمی کند:

* قسمت های پیشین این سلسله مقالات در آینه پژوهش شماره های ۲۷، ۴۴، ۴۷ و ۵۲ به چاپ رسید.

۱. دیوان امام، به کوشش قادر فاضلی، تهران، انتشارات فضیلت علم، چاپ دوم، ۱۳۷۸، ص ۲۹۰ و ۲۹۱.

۲. صناعت تصحیف آن است که الفاظ دو به دو شبیه یکدیگرند و غالباً تفاوت در نقطه است.

۳. الكنز المدفون، جلال الدین سیوطی (م ۹۱۱ ق)، بیروت، مؤسسه نعمان، ۱۴۱۲ ق، ص ۳۳.

۴. همان، ص ۳۴.

۵. همان.

۶. الخواص، ملا احمد نراقی، تحقیق: حسن حسن زاده آملی و علی اکبر غفاری، تهران، کتابفروشی علمیه اسلامی، ص ۱۴۳.

موی مه ما به بوی ما بویا به
بی او مویم موی وی ام ماوا به
ماییم و مهی آن مه ما با ما به
ما با مه ما و مه ما با ما به^۶

۳۰۱. عبارات های زیر به نثر و نظم قابل خواندن است (نثر منظوم). آغاز:

أصلحك الله وأبقاك لقد كان من الواجب أن تأتينا اليوم
إلى منزلنا الخالي لكي نحدث عهداً بك يا زین الأخلاء.
متن فوق را این گونه نیز می توان خواند:
أصلحك الله وأبـ
قاك لقد كان من الـ
واجب أن تأتينا الـ
يوم إلى منزلنا الـ^۸

۳۰۲. شمس العلمای گرکانی نیز نثر منظوم دیگری گفته است. آغاز:

معروض می دارد که هر چند قهرم با شما و از ملاقات
مهجورم، از آن اوصاف محموده معهود این نبوده لیکن البته
شهری همان قحط صفا و وفا می پرورد.
عبارت های فوق این گونه نیز قابل خواندن است:

معروض می دارد که هر چند قه
رم با شما و از ملاقات مه
جورم از آن اوصاف محـ
موده معهود این نبوده^۹

۳۰۳. در عبارات های زیر نیز صناعت تصحیف به کار رفته است:

زرر زرد دینک قبل قتل جبل العامل بالعمل
فقد فقد اليوم النوم بنابنا بنابنا تناوله یمن یمن یمن
ثمن ثمن ثمن من من من بمن عن عن عن^{۱۰}

۳۰۴. در ابیات زیر کلمه ای نقطه دار و کلمه ای بی نقطه است (صناعت خیفاء). آغاز:

الحسر یجزی والکریم یشیب
واللؤم یخزى والهمام ینیب
والمسال یفنی والممالک تنقضی
والمدمح یقی والكلام قشیب^{۱۱}

۳۰۵. آقای ابوالفضل آسمانی قصیده بی الف در مدح امام حسین (ع) گفته است. آغاز:

چون که مظلومی دین دید حسین
نهضتی کرد به تعمید حسین
در پی نصرت دین گشت بلند

ذلت دین نپسندید حسین^{۱۲}
۳۰۶. قصیده بی نقطه در مدح امام علی (ع) از آقای ابوالفضل آسمانی. آغاز:

هادی آدم علی و دهر را محور علی
والی ملک اله و صادر و مصدر علی
عالی و اعلا و اسعد ساعی و اول امام
صالح و والا و مولا عالم و سرور علی^{۱۳}

۳۰۷. محمد بن احمد بن طباطبا (م ۳۲۲ق) قصیده ای در مدح شخصی ساخته که در آن دو حرف کاف و رابه کار نرفته است. ۴۹ بیت. آغاز:

یا سیداً دانت له السادات
وتتابعت فی فعله الحسنات
وتواصلت نَعْمَاؤُهُ عِنْدِي فِلِي
منه هبات خَلْفَهُنَّ هَبَات^{۱۴}

۳۰۸. صفی الدین حلی ابیاتی را سروده که می توان آن ها را از انتها نیز خواند. (صناعت انعکاس یا قلب) آغاز:

انث ثناء ناضراً لک انه
هنا کل ارض ان انث ثناء^{۱۵}

۳۰۹. صلاح الدین خلیل صفندی (۶۹۶-۷۶۴ق) در متن زیر صناعت تصحیف را به کار برده است. آغاز:

خَبْرُنَا حَبْرُنَا المَوْثِقُ المَوْثِقُ المُسْنَدُ المَقِيدُ المَقِيدُ المَخْبِرُ
المَحْبَرُ حَدِيثاً جَدُّ بِنَا هَزَلُهُ هَزَلُهُ لَقَوْلُنَا فَلَوْنَا لِيْثُ العِنُقِ
لَبِثَّ العَبْقُ حَدَثَ حَدَثٍ مَرَّبْنَا مَرِينَا.

۳۱۰. صاحب بن عباد (۶ یا ۳۲۴-۷ یا ۲۸۵) بیست و هفت قصیده در مدح امام علی (ع) سروده که هر قصیده از یک حرف خالی است. وی موفق به سرودن قصیده بی واو نشد؛ اما نوه اش

۷. همان، ص ۳۳۱.

۸. ابداع البدایع، محمدحسین شمس العلمای گرکانی، چاپ سنگی، ۱۳۲۸ق، ص ۳۸۹.

۹. همان، ص ۳۹۰.

۱۰. الكنز المفلون، ص ۳۴.

۱۱. همان، ص ۳۱۷.

۱۲. آئینه داران تور، ابوالفضل آسمانی، قم، مجمع ذخایر اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۸ش، ص ۱۸۳-۱۸۷. آقای ابوالفضل آسمانی ساکن قم و به حرفه ساخت و تعمیر ابزار قالی بافی مشغول است.

۱۳. همان، ص ۱۷۷-۱۸۲.

۱۴. معجم الادباء، یاقوت، بیروت، دارالفکر، چاپ سوم، ۱۴۰۰ق، ج ۱۷، ص ۱۴۶.

۱۵. تاریخ آداب العرب، مصطفی صادق رافعی، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۳۹۴ق، ج ۳، ص ۳۹۶.

آن را در مدح خود صاحب سرود. (ریحانة الادب، ج ۸، ص ۹۳)
گویا تنها دو قصیده بی الف و بی سین بر جای مانده است و آن
دو در «دیوان الصاحب بن عباد» به کوشش محمدحسن آل یاسین
در صفحه های ۱۴۷ و ۱۵۲ آمده است. آغاز قصیده بدون سین:

یا وصل مالک لاتعاود
یا هجر مالک لایباعد
این التصافح والتعا
نق والقلائد والولائد

۳۱۱. صاحب بن عباد قصیده ای در مدح امام علی (ع) دارد
که حرف آغازین مصرع ها به ترتیب الفبا است. آغاز:

أمیر المؤمنین علی
به رکن الیقین قوی
توی اعداء بحسامه
نوی حیث السماء مضي

۳۱۲. شمس فخری قصیده ای موشح به نام «مخزن البحور»
دارد که مشتمل بر پنجاه و پنج بحر است و از حروف اوایل
اشعار، تاریخ نظم و نام سلطان و غیاث الدین محمد بن رشید
(وزیر سلطان ابوسعید خان) به دست می آید. همچنین از الفاظ
معین از هر چهار بیت، یک بیت استخراج می شود. در این جا
چهار بیت نخست را می آوریم:

«پری رخ»ی که برآرد ز نسترن گلنار
«دم» «د»م افکند اندر دلم «از» آن «گل» ناز
عجب مدار «بتم بر گل» از زند طعنه
کنون که کرد «ش ریحان» به بندگی اقرار
هنو «ز» باش که تا «سنبل» ش برآرد سر
«شود» ز «سنبل» جود «ش» نسیم غالیه بار
دمید خطش و بر گل همی «کند پرچین»
از آن دو زلفش «پرچین» شده است دیگر بار

اگر الفاظی که در گیومه قرار داده شده در ادامه هم خوانده
شوند، از مصرع های اول، مصرع اول از بیت زیر و از مصرع های
دوم، مصرع دوم به دست می آید:

پری رخ بتم بر گل ز سنبل کند پرچین
دمد از گلشن ریحان شود سنبلش پرچین^{۱۷}

۳۱۳. عبدالعزیز بن محمد زمزمی شافعی (معاصر سید
علی خان مدنی / قرن ۱۱) شعری در مدح شریف مسعود بن حسن
سروده که از آن سه بیت استخراج می شود: یک بیت از کنار هم قرار
دادن حروف اول بیت ها؛ بیت دیگر از نون «فعلن» و دیگری از میم
«مسفعلن» از ابتدا. بیت های دوم و سوم ماده تاریخ است. آغاز:

یا ظبیه البان ساترني لذي كبد
مخروجة قد سبی بالأعین النجل
امسى من الصد والهجران في ألم
سویهر الطرف بالهجران في شغل
بیت های سه گانه به ترتیب عبارتند از:

یا نجل اشرف قبیل
واقاك عيد مبارك

دم فی سرور هنی
عام المنی کله دام

مسعود انشا بانی
مجد للملك دارا^{۱۸}

۳۱۴. اشعار زیر بی الف است. آغاز:

غمزه خونریز تو ریخت گرم خون چه غم
زنده کند دیگرم لعل سخنگوی تو
دیده همه دل کنم تو سوی من ننگری
دل همه دیده کنم من نگرم سوی تو^{۱۹}

۳۱۵. اگر قسمت پایانی هر بیت حذف گردد، شعر در قالب
وزنی دیگر خوانده می شود (صناعت تشریح). آغاز:

من لی بانسة تنام لحاظها
من غیر نوم، بل تنیه و تقنت
قالت ألسـت تخاف حین ترورني
سترات قومي، کم تبوح وتعلن
بیت های فوق را به این صورت نیز می توان خواند:

من لی بانسة تنام
لحاظها من غیر نوم
فسالت ألسـت تخاف
حین ترورني سترات قومي^{۲۰}

۳۱۶. با حذف قسمتی از ابیات زیر، اشعار در وزنی دیگر

۱۶. دیوان صاحب بن عباد، تحقیق: محمدحسن آل یاسین، قم، مؤسسه قائم
آل محمد، چاپ سوم، ۱۴۱۲ق، ص ۱۶۱.
۱۷. مدارج البلاغه، رضا قلی خان هدایت (۱۲۱۵-۱۲۸۸ق)، شیراز،
کتابفروشی معرفت، چاپ دوم، ۱۳۵۵ش، ص ۱۰۶-۱۱۰.
۱۸. سلافة العصر، سید علی خان مدنی، المكتبة المرتضوية، ص ۱۸۷
و ۱۸۹.
۱۹. ابداع البدایع، ص ۲۴۷.
۲۰. طراز الحلة وشفاء الغلة، شهاب الدین احمد غرناطی (م ۷۷۹ق)،
اسکندریه، مؤسسة الثقافة الجامعة، ص ۲۶۳.

خوانده می شود. آغاز:

یا قاصدین حمی العقیق و من به
لکم إلهنا، إن تمّ ذاک المقصد
میلوا إلى ذات النخیل و سلّموا
وقفوا بنا، حیث المواقف تحمد

اشعار فوق را این گونه نیز می توانیم، بخوانیم:

یا قاصدین حمی العقیق
حق و من به لکم إلهنا
میلوا إلى ذات النخیل
حل سلّموا و وقفوا بنا^{۲۱}

۳۱۷. کلمات شعر زیر دو به دو شبیه یکدیگرند (صناعت

تصحیف). آغاز:

سنأ سیداً حلیم حکیم فاضل فاضل مجید مجید
حازم جازم بصیر زانه رأیه السدید السدید
امه امه رجاء رخاء ادرکت اذ زکت بقوّد تقوّد
مکرّمات مکرّمات بنت بیت علاه علاه بجوّد بجوّد^{۲۲}

۳۱۸. صلاح الدین خلیل صفدی، صناعت تصحیف را به این

صورت به کار برده که در آغاز، الفاظ دو به دو شبیه یکدیگرند؛

سپس سه به سه تا این که به هشت کلمه می رسد. آغاز:

جابر حائر جاه یر جابر فسرّ فسرّه جوّده جوّده زینه رتبه
یغیب و یعتب و عدّ و غدّ جفّ فحفّف نصیب نصیب یرقه
ترّفه ریباً رتبّ راح راج^{۲۳}

۳۱۹. صفی الدین حلی در سال هفتصد هجری، طی نامه ای

-به نظم و نثر- برای سلطان وقت نگاشت و صناعت تصحیف را

در آن به کار برد. آغاز:

قبّل قبل یراک یراک تراک عبد عند رخاک رخاک ابی ابی سؤال
سواک امل امک رجاء رخاء فالغی فالغی جدّه جدّه
باعتابک باغیابک شرفاً سرفاً^{۲۴}

۳۲۰. خطبه بی نقطه از شمس العلمای گرکانی. آغاز:

الحمد لله المسؤول عطاؤه، المأمول آلاؤه، المکرم أسماؤه،
العاد إحصاؤه، الحامد المحمود، الإله الودود. ۲۵

۳۲۱. در قصیده زیر، نام سوره های قرآن به ترتیب به کار

رفته است (صناعت توریه). آغاز:

فی کل فاتحة للقول معتبرة
حق الثناء علی المبعوث بالبقره
فی آل عمران قدماً شاع مبعثه
نساء هم والرجال استوضحوا خبره^{۲۶}

۳۲۲. شمس العلمای گرکانی در مسمّط زیر، کلمه پایانی

هر فقره را در ابتدای فقره بعد تکرار کرده است:

هریک بشرح صدر صدری بقدر و گاه
گاه علو قدر قدرش فزون ز ماه
ماه فلک شکوه کوه وقار و جاه
جاهش برون ز عقل عقلش مرید راه
راه خدای را پیموده مستقیم^{۲۷}

۳۲۳. اگر حروف سیاه در بیت های زیر کنار هم قرار

گیرند، این روایت به دست می آید: «صل من قطعک و أعط من
حرمک و اعف عمّن ظلمک.»

صلد سخت است و منون مرگ بود قط کتاب
هکوه اصل اعط بیخشای و عقاب است عذاب
منقصه عیب و حرج تنگی و مکفوف چه گور
واشمه ماشطه و حفّز دلیرید چه زور
عمر دان زندگی و هست نظافت پاک
لم از بهر چه کسی داغ و بلبل نمناکی^{۲۸}

۳۲۴. صفی الدین حلی از حروفی استفاده کرده که به حرف

بعد متصل نمی شوند؛ مگر این که حرفی در آخر کلمه قرار گرفته
باشد که طبیعی است به حرف بعد وصل نمی شود. آغاز:

اذا زار داری زور و دود
اود و اوورده ورد و دی
وان رام زادی اذا ورد
اداوی اذاه رام وردی^{۲۹}

۳۲۵. صفی الدین حلی در نامه زیر حروف منقوط را به کار

نبرده است. آغاز:

ادام الله دولة الملك العادل العامل، الاوحد الكامل، موئل
الأمّل، ومأل الارامل، مالک ملوک الدول، طامس اسماء الکرام
الاول، اسدالأساد، ومکمد الحساد، ومورد الموارد. ۳۰

۳۲۶. در بیت زیر از صفی الدین حلی تمام حروف الفبا را

۲۱. طراز الحله، ص ۲۶۵.

۲۲. تصحیح التصحیف و تحریر التحریف، صلاح الدین خلیل صفدی
(۱۳۶۴ق)، تحقیق: سید شرفاوی، قاهره، مکتبه الخانجی،

ص ۱۴۰۷، ص ۲۲.

۲۳. در النور فی مناقب الملک المنصور، صفی الدین حلی، ص ۴۹۱.

۲۴. تصحیح التصحیف، ص ۲۷.

۲۵. ابداع البدایع، ص ۲۴۷.

۲۶. طراز الحله، ص ۴۷۵.

۲۷. ابداع البدایع، ص ۱۳۰.

۲۸. همان.

۲۹. در النور، ص ۴۰۸.

۳۰. همان، ص ۴۸۸.

۳۳۳. ملا احمد نراقی، الفاظ فارسی را به اسلوب عربی به

نظم کشیده است (صناعت تعریب). آغاز:

خیزوا إلى الخرابات یا ایها الهامد
لاتشنوا النصیحة من هذه المرادم
عالج جراحة الدل من دستک النکارین
فی زخم ذلك الدل لاتنفع المراهم.^{۳۸}

۳۳۴. در دو بیت زیر نیز صناعت تعریب به کار رفته است:

الأشتر گاذر الی الراحات
لایتسر من فتادن الجاهات
قد کَرَدَ خوناً دل همراهات
من نالته گاه سحرگاهات.^{۳۹}

۳۳۵. محمد مؤمن شیرازی (متولد ۱۰۷۴ق) رساله‌ای

بی نقطه به نام «در الحکم» دارد. آغاز:

هو الله الاحد ولد المحرر اواسط اول الحُرْم عام (۱۰۷۴)
ومولده دار العلم ومحرس الکمال ومحلّ اهل المکارم
ومحطّ اهل الحال. دار العلم له اسم معلوم وهو مولد
المحرر ومأواه اصلحه الله. وهو مصر معلوم معمور.^{۴۰}

۳۳۶. رشیدالدین وطواط در شعر زیر کلمه‌ای منقوط و

کلمه‌ای غیر منقوط به کار برده است:

بچین و روم چنین در گهسی نبیند کس

بزیب و طالع و زینت عروس شیرین کار.^{۴۱}

۳۳۷. در بیت زیر حرفی منقوط و حرفی بی نقطه است:

جان کند تا چو غمزۀ جانان

میسزد جای وی میانۀ جان.^{۴۲}

۳۱. همان، ص ۴۱۷. این بیت در الکنز المدفون، ص ۳۴ نیز آمده با این

تفاوت که به جای «کف»، «کثیف» و به جای «بنوطی»، «بنوط» ضبط شده است.

۳۲. همان، ص ۴۰۷.

۳۳. همان، ص ۴۰۵.

۳۴. همان.

۳۵. همان، ص ۴۱۸.

۳۶. همان، ص ۴۰۶.

۳۷. همان، ص ۴۰۷.

۳۸. الخرائن، ص ۲۳۳. خیزوا: برخیزید؛ هامد: همدم‌ها؛ لاتشنوا:

نشنوید؛ مرادم: جمع مردم.

۳۹. همان، ص ۲۳۱. گاذر: گذرکننده؛ راهات: جمع راه؛ کَرَدَ: کرد.

۴۰. آثار هجم، فرصت الدوله شیرازی، بمبئی، ۱۳۱۲ق، ص ۴۲۹.

۴۱. مقدمه دیوان اشعار انصاری، محمدعلی انصاری، مقدمه از کیوان

سمعی، قم، ص سیزده.

۴۲. همان.

بدون تکرار جمع کرده است:

قدغض لحظ کشف شخصه

مذ عجزت سرأ بنوطی.^{۳۳}

۳۲۷. در قطعه زیر از صفی‌الدین حلّی، کلمه‌ای منقوط و

کلمه‌ای غیر منقوط است (صناعت خیفاء). آغاز:

الحریجزی والکرام تشیب

واللوم یخزی والهمام ینیب

والمال یغنی والممالک تنقزی

والمدح یبقی والکلام قشیب.^{۳۴}

۳۲۸. در ابیات زیر از صفی‌الدین حلّی تنها از حروف

بی نقطه استفاده شده است. آغاز:

کم ساهر حرّم لمس الوساد

وما اراه سؤلّه والمراد

ماسهر الواله معط له

وصلاً ولو داوم طول السهاد.^{۳۵}

۳۲۹. صفی‌الدین حلّی در ابیات زیر تنها از حروف نقطه دار

استفاده کرده است. آغاز:

فتنت بظبی بغی خیبتی

بجفن تغن فی فتنتی

تجنی فبت بجفن یفی

ض فحیت ظنی فی یقظتی.^{۳۶}

۳۳۰. صفی‌الدین حلّی همه حروف الفبا را در یک بیت

جمع کرده و بی نقطه‌ها را در مصرع اول و منقوط‌ها را در مصرع

دوم جمع کرده است:

اعطل ودّصح سر کلامه

قثبت ظن غض خزی شج قد.^{۳۷}

۳۳۱. در شعر زیر از صفی‌الدین حلّی مصرع اول هر بیت،

منقوط و مصرع دوم بی نقطه است. آغاز:

شفتنی جفن غضیض غنج

لمهاه صدها دام وداما

فتنتنی بجبین یقق

کهلال سعده صار دواما.^{۳۸}

۳۳۲. صفی‌الدین حلّی یک بیت را منقوط و بیت دیگر را

غیر منقوط گفته است. آغاز:

بت ببیت ظبیتی

فی فیض غیظ خیبتی

للهوها وصدها

اوالمطال العده.^{۳۹}

۳۴۰. در منتخب جواهر الاسرار تألیف نورالدین حمزة بن عبدالملک طوسی، مشهور به آذری (معاصر شاه نعمه‌الله ولی) دو بیت آمده که با تقدیم و تأخیر و تطویل و تقصیر و اخذ و ترک ارکان آن‌ها، بیت‌های دیگر با بحرهای متفاوت به دست می‌آید:

بکرم می‌بیری گوی سخارا ز فلک
بدرم می‌بخری حمد و ثنا را ز بشر
بگذر می‌بدری صف عدو را چو قضا
بقدم می‌سپری فرق سها را چو قدر

ابیات دیگری که از دو بیت فوق به دست می‌آید، بدین قرار است:

می‌بری گوی سخارا ز فلک
می‌بخری حمد و ثنا را ز بشر
می‌بدری صف عدو را چو قضا
می‌سپری فرق سها را چو قدر

بکرم می‌بیری گوی سخارا
بدرم می‌بخری حمد و ثنا
بگذر می‌بدری صف عدو
بقدم می‌سپری فرق سها

ز فلک می‌بیری گوی سخارا بکرم
ز بشر می‌بخری حمد و ثنا را بدرم
چو قضا می‌بدری صف عدو را بگذر
چو قدر می‌سپری فرق سها را بقدم

بیری گوی سخارا
بخری حمد و ثنا را
بدری صف عدو را
سپری فرق سها را

گوی سخا می‌بیری
حمد و ثنا می‌بخری
صف عدو می‌بدری
فرق سها می‌سپری

۳۳۸. مصراع اول از رباعی زیر، حرفی منقوط و حرفی غیر منقوط؛ مصراع دوم دو حرف منقوط و دو حرف غیر منقوط؛ مصراع سوم سه حرف منقوط و سه حرف غیر منقوط و مصراع چهارم چهار حرف منقوط و چهار حرف غیر منقوط است:

تا بر چه نسق وجه تو زد چرخ رقم
کان شمع نظر کشیده نیکو بقلم
هرگز بجمال جز تو دستش ندهد
آراستی چو صورت چین عالم^{۴۳}

۳۳۹. کتاب منتخب جواهر الاسرار، ترکیبی از مولانا حسین متکلم نقل کرده که از پنج بند پنج بیتی شکل گرفته و در هر بند، یکی از صنایع مشکل بدیع به کار رفته است. از هر بند به نقل دو بیت بسنده می‌کنیم:

بند اول، بی نقطه:

مدار صرح دوار ممرد
مرام سطح مسطوح ممه‌د
مدار کار اهل ملک و اسلام
محل عدل و طود علم الاحد

بند دوم، تماماً منقوط:

ز غیزی زین تختی زین زینی
بتیغ تیز پشت جیش زینی
ز بخشیدن بچنت شد غنی ضیف
پشت غیب شد جفت ضینینی

بند سوم، مقلوب مستوی (هر مصراع را می‌توان از انتها هم خواند):

بقا و عزم و فر فوز عواقب
بها و نوع زاد از عون واهب
امید آشنایان شادی ما
بحاصل آید از اذیال صاحب

بند چهارم، کلمه‌ای منقوط و کلمه‌ای غیر منقوط:

محمد بن محمد پشت عالم
نبی علم غنی دل زین آدم
شدت محکوم جیش ملک تب
ملوک چین و حکام ختن هم

بند پنجم، حرفی منقوط و حرفی غیر منقوط:

مزاج و خوی طبیعت منح زرباذ
صفات و خلق عقلت منح شرباذ
رخان دشمنان از اشگ خون رنگ
زرشگ تو چو یاقوت و چو زرباذ^{۴۴}

۴۳. همان.

۴۴. همان، ص چهارده. شانزده.

ز فلک می ببری گوی سخارا
ز بشر می بخری حمد و ثنا را
چو قضا می بدری صف عدو را
چو قدر می سپری فرق سها را

ز فلک گوی سخارا بکرم می ببری
ز بشر حمد و ثنا را بدرم می بخری
چو قضا صف عدو را بگذر می بدری
چو قدر فرق سها را بقدم می سپری

گوی سخارا بکرم می ببری
حمد و ثنا را بدرم می بخری
صف عدو را بگذر می بدری
فرق سها را بقدم می سپری

ز فلک گوی سخارا ببری
ز بشر حمد و ثنا را بخری
چو قضا صف عدو را بدری
بقدم فرق سها را سپری

بکرم گوی سخارا می ببری
بدرم حمد و ثنا را می بخری
بگذر صف عدو را بدری
بقدم فرق سها را سپری

بکرم گوی سخارا ز فلک می ببری
بدرم حمد و ثنا را ز بشر می بخری
بگذر صف عدو را چو قضا می بدری
بقدم فرق سها را چو قدر می سپری

گوی سخارا ز فلک می ببری
حمد و ثنا را ز بشر می بخری
صف عدو را چو قضا می بدری
فرق سها را چو قدر می سپری^{۴۵}

۳۴۱. آقای ابوالفضل آسمانی در این قصیده، صناعت توشیح را به کار برده است. در صورتی که حرف های اول مصرع ها کنار هم قرار گیرند، عبارت «یا ابوالحسن یا امیر المؤمنین» استخراج می شود. آغاز:

یدحق عین حق شه آگاه
اصل ایمان علی عالی جاه
ابر رحمت شکوه جود و کرم
بوالحسن رهبر عدالت خواه^{۴۶}

۳۴۲. بخشی از مصراع اول هر بیت در مصرع دوم همان بیت تکرار شده است. آغاز:

جهان شده لاله زار ز رحمت کردگار
ز رحمت کردگار دوباره شد نوبهار
سوسن و گل آشکار بر سر هر شاخسار
بر سر هر شاخسار به نغمه خوانی هزار^{۴۷}

۳۴۳. در این شعر منسوب به امام علی (ع) صناعت تصحیف به کار رفته است:

أشیرت إلی بکُم بکُم بکُم
بکُم عوضاً ترضونَ عنا عن البکم
فقالوا جمیعاً بالإشارة والرضا
کفی عوضاً أن السلامة فی البکم^{۴۸}

۳۴۴. میرزا امین نصرآبادی (ق ۱۱) یک رباعی با این ویژگی ها دارد: حروف مصراع اول، مقطوع، و یک حرف نقطه دار و حرف دیگر بی نقطه است. حروف مصراع دوم، دو به دو به هم چسبیده اند و دو حرف با نقطه و دو حرف بی نقطه است. مصراع سوم سه حرف سه حرف به هم چسبیده اند و سه حرف منقوط و سه حرف غیر منقوط است. کلمات مصراع چهارم، چهار حرفی است و کلمه ای منقوط و کلمه دیگر غیر منقوط است:

آن آب رخ رزم زدی دی آذر
تن عاجز ساخت هم پی کوشش سر
تیغ گهرینش همه بین لعل یش
مهمل پیشش حمله چینی عسکر^{۴۹}

۴۵. همان، ص بیست و دو - بیست و چهار.

۴۶. آئینه داران نور، ص ۳۰.

۴۷. همان، ص ۲۳.

۴۸. مشکلات العلوم، ملا محمد مهدی نراقی، به کوشش حسن نراقی، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۶۷ ش، ص ۲۸۲.

۴۹. رباعیات الادب، محمد علی مدرس تبریزی، تهران، انتشارات خیام، چاپ چهارم، ج ۶، ص ۱۷۸.